

آیا ایران انقلاب دومی در پیش دارد؟

گری بیکر: سلام، خوش اومدین به «تربیون آزاد»، من گری بیکر از هیات تحریریه وال استریت ژورنال در خدمتون هستم. ممنون که به ما ملحق شدین. اگر تا الان به دنبال کننده‌های ما نیپوستین، لطفا ما رو در «اپل پادکست»، اسپاتیفای یا هر جای دیگه‌ای که تمایل دارین دنبال کنین. و لطف کنین و بهمون امتیاز ۵ ستاره بدین. در برنامه‌ی امروز می‌خوایم نگاهی بندازیم به اتفاقات اخیر ایران. ۲۵ شهریور، مهسا امینی، زن جوانی از یک خانواده گُرد، بعد از دستگیری توسط گشت ارشاد به دلیل به سر نداشتن حجاب - که در ایران برای زن‌ها اجباریه - در بیمارستانی در تهران درگذشت. دولت اصرار داشت که این جوان ۲۲ ساله که به نظر کاملاً سالم می‌رسید، به نحوی بر اثر سکت قلبی مرده. اما شاهدان عینی می‌گفتند که مورد ضرب و شتم قرار گرفته. با پخش شدن خبر مرگ او، در سراسر کشور تظاهرات شکل گرفت و به طور روزافزون گسترش پیدا کرد؛ اعتراضاتی که تا امروز ادامه پیدا کرده. به خاطر کنترل شدید اطلاعات توسط حکومت، به دست آوردن تصویری دقیق از رویدادها سخته، ولی بر اساس گزارش‌های معتبر میشه گفت تا الان بیشتر از ۲۰۰ نفر کشته شده اند. حالا واقعا چه اتفاقی داره می‌افته و این حرف‌ها چه معنی‌ای دارن؟ بعد از ۴۳ سال حکومت سرکوب‌گر مذهبی توسط آخوندهای ایرانی، که هر چند وقت یک بار مردم رو به اعتراض وا داشته، آیا بالاخره این می‌تونه همون طور که عده‌ای میگن، انقلاب دوم ایرانیان بعد از انقلاب اسلامی اصلی در سال ۵۷ باشه؟ یا این هم به سرنوشت قبلی‌ها منجر و توسط رژیم بی‌رحم سرکوب خواهد شد؟ خوشحالم که بهتون اطلاع بدم که «رول مارک گرخت» - یکی از آگاه‌ترین و باسوادترین تحلیل‌گران خاورمیانه - امروز به ما پیوسته که همه‌ی اینها رو بررسی کنیم. رول عضو ارشد موسسه بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها و پیش از این از اعضای موسسه آمریکن اینترپرایز بوده. اون، دایما مطالبی برای هیات تحریریه این مجله و بسیاری نشریات دیگه می‌نویسه و نویسنده چندین کتاب در مورد سیاست و جامعه و فرهنگ در خاورمیانه است. در اوایل کارش، او در CIA مسئول پرونده بوده و در نتیجه شناخت بسیار ارزشمندی در این باب داره. من خیلی خوشحالم که بگم رول الان اینجا با منه. رول خیلی ممنون برای ملحق شدن به جمع ما

رول مارک گرخت: باعث افتخاره.

گری بیکر: خب بذار یک راست بریم سر اصل مطلب. با تاکید بر اینکه تو ارتباطات خوب، منابع خوب و فهم خوبی از چیزی که تو اون کشور می‌گذره داری، اگه میشه بگو که این اعتراضات در چه مرحله‌ایه؟ الان نزدیک دو ماهه که ادامه داره. ما تصاویر فوق‌العاده‌ای دیدیم. اون تصاویر زندان تهران رو همه‌ی ما دیدیم که در شبکه‌های مجازی دست به دست می‌شد. تصاویر انبوه معترضین رو در خیابان‌ها و خشونت مقامات رو دیدیم. نظر تو چیه، در مورد این اعتراضات چی فکر می‌کنی؟

رول مارک گرخت: ببین به نظر می‌رسه که ما در یک جوشش آرام هستیم. رژیم نشون میده که قادر به خاموش کردن این اعتراضات نیست، عمدتاً به این خاطر که ابتکار عمل با اون‌هاست، که در اصل از خودجوش بودن نشون ناشی میشه. منظورم اینه که هر بار به زن تصمیم می‌گیره روسریش رو برداره، این قابلیت هست که تظاهرات بشه، و این نشون‌دهنده‌ی فساد نهادینه در سیستم و خشم عمیق مردمه. ما پیش از این شاهد تظاهرات دیگه‌ای هم بودیم که دلایلش بدرفتاری با زنان بوده. ما شاهد تظاهرات برای خیلی دلایل دیگه هم بودیم، و رژیم از این پتانسیل خطرناک کاملاً آگاهه. ببینین، از زمان شروع اولین شورش بزرگ شهری که موجب لغو غیر منتظره یک بازی فوتبال در سال ۶۸ شد، رژیم از چیزی که بهش «جرقه پنهان ناگهانی» میگن وحشت داره، چون می‌تونه منجر به اعتراضات مهمی بشه که ماهیتشون به سرعت از اعتراضاتی علیه سیاست‌های رژیم به اعتراضاتی علیه خود رژیم تبدیل بشه. بنابراین من فکر می‌کنم که این ادامه پیدا کنه. من نمی‌دونم میشه گفت که این جنبش شروع یک تغییر بزرگه یا نه، ولی شاید باشه. خیلی جالبه که خیلی از افراد خاص نظام، که زمانی به خامنه‌ای، رهبر معظم، نزدیک بودن، دارن در مورد روندهای اتفاقاتی که افتاده و خط مشی رژیم تا حدی ابراز نارضایتی می‌کنن. من فکر می‌کنم که در واقع رژیم نمی‌دونه چی کار کنه. در واقع اگر بخوایم با تظاهرات مهم سال ۹۸ که در واقع جنبشی توسط فقرا بود مقایسه کنیم، رژیم احتمالاً چیزی بیشتر از ۱۵۰۰ نفر رو تنها تو چند هفته کشت. الان خیلی کمتر

کشتن و من فک می‌کنم که از این کار می‌ترسن. اون‌ها خیلی مردد هستن که چی کار کنن وقتی این همه زن درگیر تظاهرات هستن، وقتی بچه‌ها درگیر هستن. رژیم‌های اسلامی قراره از زنان محافظت کنن، قرار نیست که اون‌ها رو بزبن بکشن!

گری بیگر: خب همونطور که تو به درستی اشاره کردی، ما موج‌های زیادی از اعتراضات رو در طول حیات این رژیم دیده‌ایم. به نظر میاد که دلایل مختلفی هم داشتن. بعضی وقتها در مقابل اعمال سخت‌گیرانه قوانین مذهبی بوده، بعضی وقتها مشکلات اقتصادی و بعضی وقتها فساد. بعضی وقتها، همون طور که خودت گفتی، این خشونت سر ورزش یا هر موضوع دیگه‌ای دیگه زده بیرون. به نظرت، آیا این بار با بقیه دفعه‌هایی که قبلا دیدیم به طور کیفی متفاوت؟ آیا دلیل خاصی وجود داره که فکر کنیم این بار ممکنه فرق کنه، از این منظر که یه جور تغییرات بنیادی در ایران در حال اتفاق افتاده؟

رول مارک گرخت: شاید، هنوز برای دونستنش زوده! من فکر می‌کنم که رژیم علنا امیدواره که بتونه این قضیه رو به مرور و به آرومی جمع کنه. ولی اگر - که اگر خیلی بزرگیه - اگر زنان به طور ویژه تصمیم بگیرن که خودشون تو خط مقدم وایسن، یه جورایی مردها رو وادار به عمل می‌کنن. این مردها خواهند بود که سیستم رو می‌شکنن، که به این صورت اتفاق می‌افته که با حضور مردهای کافی تو خیابون نیروهای امنیتی مرعوب می‌شن یا نیروهای امنیتی از داخل یا بیرون می‌شکنن. اینم مهمه که بدونیم رژیم واقعا نیروی امنیتی سیار چندانی نداره. خیلی سخته که عدد دقیقی بدیم ولی اگه بخوایم دست بالا بگیریم، شاید بتونن ۱۲۵ هزار نفر رو در سراسر کشور مستقر کنن. این برای یک کشور با اندازه ایران زیاد نیست. و اون‌ها از گذشته یاد گرفتن که اعزام یک واحد امنیتی از اهالی یک منطقه به شهری در همون حوالی خیلی ریسک داره! پس باید در مدیریت کردن این قضیه خیلی هوش و ذکاوت داشته باشن. و در مورد این اعتراضات، رسماً هر وقت که یک زن تصمیم می‌گیره که روسریش رو برداره، قابلیت تبدیل شدن به یک تظاهرات رو داره و مطمئناً منجر به کلی بی‌حرمتی مخرب میشه. این سبب میشه که یکی از دلایل وجودی رژیم، یعنی حفظ ارزش‌های اسلامی، خیلی راحت نقض بشه. یکی از دلایلی که خامنه‌ای و رئیس‌جمهور انتخابش، ابراهیم رئیسی تصمیم به سختگیری روی موضوع حجاب زنان گرفتن به خاطر این بود که بی‌حجابی تو ایران رایج شده بود، حتی بی‌حجابی کامل تو بعضی جاها مثلاً جنوب تهران، جایی که به نظر رژیم محل طرفداراشه یا حداقل قدیم اینجوری بود. خب این واقعا یک شکست اخلاقیه و رژیم داره سعی میکنه که بفهمه چطوری می‌تونه یه کمی از مشروعیتش رو برگردونه. من فکر می‌کنم این کار براشون خیلی سخت خواهد بود. و اینکه شما واقعا نمی‌تونین یه تایم‌لاینی بذارین رو این چیزها. ولی اگه نتونن این رو خفه کنن، اگه نتونن زن‌ها رو مجبور کنن که حجاب بذارن، اون وقت این میره که سیستم رو بپوسونه. دوباره این رو باید تاکید کنم که به نظر می‌رسه نسل جوان ترسی نداره، و حتی خود اعضای رژیم هم همین طور، چون درباره رهبر و اینکه او چطور تا الان این موضوع رو مدیریت کرده انتقاداتی رو مطرح می‌کنن.

گری بیگر: یه کم به ما درباره رهبری بگو. جالب بود به این اشاره کردی که بعضی اعضای حاکمیت از بعضی اتفاقات ابراز پشیمانی کرده‌اند. این ترکیب جالب وجود داره. ما رهبری مذهبی آیت‌الله خامنه‌ای رو هم داریم. الان گزارشات محکمی هست که اون خیلی خیلی مریضه، خیلی پیره. مدت زیادیه که رهبر بوده. شایعاتی هست... می‌تونن ما رو اینجا روشن کنن، که آیا واقعا رو به موته؟ و اینکه تو گفتی، یک رئیس‌جمهور هم هست، این مرد قدرتمند رئیسی، که خیلی از مردم به عنوان یک آدم وحشتناک بهش نگاه می‌کنن. بهمون بگو اوضاع چه جوریه، در مورد خامنه‌ای چی میشه گفت؟ در مورد رئیسی چطور؟ و باز، توی غرب، از قدیم یک جست و جوی همیشگی برای به اصطلاح «میان‌روها» در رهبری مذهبی یا رهبری سیاسی وجود داشته. تو عملکرد اون‌ها در مقابل این بحران رو چطور ارزیابی می‌کنی؟

رول مارک گرخت: از رهبر و رئیس‌جمهور منتخبتش شروع می‌کنم. ابراهیم رئیسی اصلاً انتخاب نشد. در واقع فقط برای یک هدف نصب شد و اون این بود که به وقتش، با ناآرامی‌های بزرگ داخلی که احتمالش میرفت مقابله کنه. اون اساساً یه قاتله. منظورم اینه که از سمت تاریک جمهوری اسلامی سر در آورده. دلیل اومدنش صلاحیت قضاییش نیست. تکالیف ناخوشایندی بهش محول شده و اون به خوبی اون‌ها انجام داده. و اصلاً دلیل انتخابش همینه. اون قابل اعتمادیه. مثل یک نسخه‌ی کوچیک از رهبره، البته بدون دانش و فضیلت خود رهبر.

گری بیکر: ولی این نشون میده که... ببینم کی انتخاب شده بود، پارسال بود، نه؟

رول مارک گرخت: آره

گری بیکر: این نشون میده که خیلی قبل از این تظاهرات، رژیم می‌دونسته - یعنی بی‌عقل بوده اگر نمی‌دونسته - ولی شگفت‌آور که همون طور که گفتی، کسی رو به طور ویژه برای اداره کردن ناآرامی‌های داخلی روی کار آوردن. می‌دونستن روی چه مقدار باروت نشستن.

رول مارک گرخت: آره، راستش من فکر می‌کنم یکی از قوت‌های رژیم اینه که نسبتا خودآگاهانه و از زوال داخلش خبر داره. مهمه که به یاد داشته باشیم سال ۸۸، درست بعد اینکه رژیم جنبش دموکراسی خواه سبز رو نابود کرد، فرماندهان ارشد سپاه پاسداران و بسیج دور هم جمع شدن و و به جورایی اون اتفاقات و هم چنین اعمال و واکنششون رو کالبدشکافی کردن. تئوری توطئه‌های ضد آمریکایی و ضد صهیونیستی رو بذاریم کنار، تدابیرشون نسبتا فکر شده بود. و چیزی که این بار جالبه، اینه که این بار اون‌ها به جورایی قواعد بازی‌شون رو نقض کردن، اون‌ها بعد سال ۸۸ توصیه کردن که باید خیلی محکم و ضربتی زد و جمعش کرد... باید از نیروی کشتار استفاده بشه. این شیوه این بار اتخاذ نشده. مردم کشته شدن ولی تعدادشون به اندازه افرادی که در تظاهرات این چنینی قدیم‌تر شاهدش بودیم نبوده. و من فکر می‌کنم به خاطر اینه که رژیم کم آورده که چی کار کنه. به نظرم این به خاطر جنبش زن‌هاست... امکان شلیک به شمار زیادی از زنان، رژیم رو بی‌دفاع کرده و اون‌ها در مقابل اینکه چطوری این شرایطو مدیریت کنن مستاصل شدن. برای همینه که فکر می‌کنم اون‌ها یک شیوه برخورد بسیار آروم‌تر رو اتخاذ کردن. اون‌ها دارن تلاش می‌کنن که راهی پیدا کنن تا این رو به صورت مقطعی جمعش کنن بدون اینکه تظاهرات گسترده‌ای شکل بگیره، مثلا سال ۸۸ که صدها هزار نفر اگه نگیم میلیون‌ها نفر به خیابون‌ها اومدن. اون مدل تظاهرات می‌تونه در رژیم شکاف ایجاد کنه، نیروهای امنیتی رو بشکنه و رژیم می‌خواد به هر قیمتی جلوی این را بگیره.

گری بیکر: در مورد خامنه‌ای چی میشه گفت؟ من باز نمی‌دونم تا چه حد ولی می‌دونی که گزارشاتی هست مبنی بر اینکه خیلی مریضه. اگه عمرش به دنیا نباشه آیا دلیلی داره که فکر کنیم رهبر بعدی یا هر کسی که از رهبریت مذهبی بالا بیاد ممکنه به صورتی متفاوت و به شکل مشهودی به رژیم داخلی لیبرال‌تری تمایل داشته باشه؟ یا اینا فقط خواب و خیاله؟

رول مارک گرخت: فکر کنم خواب و خیاله. من فکر میکنم که رهبر اطمینان پیدا کرده که حلقه اطرافیانش تنگ و تنگ‌تر از همیشه شده و او افرادی رو انتخاب کرده مثل ابراهیم رئیسی جمهور، که در واقع با دید کلی خودش از اینکه شرایط چه جورایی باید باشه هماهنگ هستن و مطمئنا خیلی مهمه که از غرب حذر بشه تا ارزش‌های اسلامی طبق نظر رهبر حفظ بشن. بنابراین من انتظار هیچ جور رهبری لیبرال‌تری رو ندارم. فکر کنم رهبری بعدی به همین صلبیت باشه، ولی نه به همین ذکاوت. به نظرم باید این امتیاز خامنه‌ای رو قبول کنیم، به نظر من اون موفق‌ترین دیکتاتور خاورمیانه بعد از جنگ جهانی دومه و از خیلی چیزها قسر در رفته. در این لحظه باید بگم که مطمئن هم نیستیم که رو به موته. خب طرف برای سالها سرطان داشته. از تجربیات قدیم خودم در سرویس‌های اطلاعاتی می‌تونم بگم که من واقعا به اطلاعات سلامتی اعتماد نمی‌کنم. تقریبا همیشه اشتباهه. و روحانیون نسبتا سالم زندگی می‌کنن. غذای خوبی می‌خورن. کتاب زیاد می‌خورن. بعضیاشون به وفور سکس دارن. منظورم اینه که اونا کاری نمی‌کنن که ...

گری بیکر: مشروب نمی‌خورن، مواد مخدر مصرف نمی‌کنن.

رول مارک گرخت: آره مشروب نمی‌خورن

گری بیکر: از خیلی نظرها انسان‌های نمونه‌ای هستن.

رول مارک گرخت: دقیقا. در پایین نگه داشتن فشار خونشون خیلی خوب هستن. بنابراین من گمون کنم که حالا حالاها پیش ما خواهد بود، اما اگه از این دنیا بره، فکر کنم که مساله جانشینی می‌تونه چالشی باشه، و می‌تونه شرایطی رو به وجود بیاره که روحانیون نخبه به

چون هم بیافتن. فکر نکنم که نتیجه این درگیری داخلی -اگه پیش بیاد- یک فرد میانه‌رو و لیبرال‌تر باشه. دقیقاً برعکس. به نظرم شخصی خواهد بود که خیلی بی‌رحمه و ثابت کرده که از ریختن خون ابایی نداره.

گری بیکر: در مورد اپوزیسیون چی، اصلاً میشه حتی این اسم رو روشن گذاشت؟ این اعتراضات پراکنده وجود داشته، خیلی تظاهرات در طول سال‌ها اتفاق افتاده. می‌دونیم که هرکسی به هر نوعی از جریان سیاسی متفاوتی ظهور کرده خیلی سریع ناپدید شده. واقعاً برای تاثیرگذاری، تظاهرات به یک رهبری نیاز دارن، به سمت و سو یا به دونستن اینکه هدف چیه نیاز دارن. آیا هیچ دلیلی هست که فک کنیم گروه‌هایی هستن که می‌تونن درخواست پشتیبانی کنن، که بتونن این تظاهرات پراکنده رو واقعاً به هم پیوند بزنن، به صورت اپوزیسیون متشکلی که می‌تونه رژیم رو واقعاً به چالش بکشه؟

رول مارک گرخت: خب ببینید من فکر میکنم که این مساله هم نبوغ و هم مشکل اپوزیسیونه. رژیم نتونسته این تظاهرات رو متوقف کنه چون در واقع رهبری نداره. این تظاهرات خودجوش شکل می‌گیرن. حالا شاید پشت پرده بعد از اینکه این ماجرا تموم شد گروه‌های کوچکی از افراد رو پیدا کنیم که این تظاهرات رو هماهنگ می‌کردن. ولی من فکر می‌کنم که در اکثر مواقع چنین چیزی نبوده. رژیم در پیدا کردن افرادی که کاریزما دارن و حذف اون‌ها خیلی خیلی خوبه. خوب، این مساله برای اپوزیسیون در بلندمدت یا حتی شاید در میان‌مدت مساله‌ساز میشه، روشنه که وقتی رژیم شروع به ترک خوردن کنه به یک جور ساختار رهبری نیاز داری. من فکر نکنم چنین اتفاقی بیافته. الان کاملاً واضحه که اپوزیسیون چی می‌خواد و اون اینه که جمهوری اسلامی از بین بره. و این رو شما می‌بینی که به وضوح در دهه‌های متوالی متبلور شده، اگه به عقب برگردین و به اعتراضات اولیه نگاه کنین، اون اعتراضات معمولاً سر یک موضوع مشخصی شروع می‌شدن. سپس به مرور -اگه ادامه پیدا می‌کردن- تبدیل به یک حمله مشخص به جمهوری اسلامی و حکومت مذهبی می‌شدن. این دفعه تظاهرات همین جوری شروع شد. یعنی به معنی واقعاً کلمه با سرعت نور، بعد از مرگ خانم امینی شعارها در اعتراضات کاملاً مشخص بودن. اون‌ها می‌گفتن «مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر جمهوری اسلامی». و این یه دلیلیه که رژیم اینجا دچار مشکل شده. اون‌ها واقعاً نمی‌تونن دیگه هیچ جوره اینو جمعش کنن. مثلاً کسی مثل علی لاریجانی رو ببینین که یک موقعی در از خاص‌ترین خواص بود و امروز یک جورایی مطرود شده. اون داره دنبال راه‌هایی می‌گرده که رژیم بتونه یک جوری زخمهای جامعه رو ترمیم کنه. و از خوندن چیزهایی که نوشته و گفته، میشه فهمید که واقعاً جوابی پیدا نکرده که بتونه راه سومی باشه. بنابراین من فکر کنم شاهد این خواهیم بود که ماجرا خیلی آرام پیش بره تا یک جرقه بزرگ دیگه ایجاد بشه. اون وقته که خواهیم دید رژیم چند مرده حلاجیه. آیا می‌تونه تظاهراتی به اندازه ۱۰۰ یا ۲۰۰ هزار نفر رو مدیریت کنه؟ اگه این اعتراضات نتونه به اون حد برسه فکر کنم برای مدتی طولانی ادامه پیدا کنه. من انتظار ندارم که رژیم بتونه کامل از بینشون بیره. ولی اگه تظاهراتی در چنان ابعادی برقرار نباشه، پیروز نمی‌شه شد، نیروهای امنیتی دچار مشکل نمیشن.

گری بیکر: خوب یک توقف کوتاه اینجا داشته باشیم. وقتی برگردیم باز هم با رول گرخت خواهیم بود. ما در مورد اعتراضات در ایران صحبت می‌کنیم و در ادامه بیشتر در مورد واکنش جهانی و اینکه تمام این‌ها چه معنی در دیپلماسی خاورمیانه و باقی دنیا خواهد داشت صحبت خواهیم کرد. با ما همراه باشید.

باز هم خوش آمد می‌گم. با رول مارک گرخت، تحلیل‌گر، نویسنده و متخصص خاورمیانه، در مورد اعتراضات در ایران و تاثیری که می‌تونن در دنیا داشته باشن صحبت می‌کنیم. رول، آیا چیزی برای یاد گرفتن از آنچه در باقی خاورمیانه در ۱۰ یا ۱۵ سال گذشته رخ داده وجود داره؟ از بهار عربی و آنچه در عراق اتفاق افتاد، میشه به نتیجه‌ای رسید در مورد اینکه این رژیم‌های دیکتاتوری و اقتدارگرا چطور ضعیف میشن یا سقوط می‌کنن؟ یا ایران خیلی تافته‌ی جدا بافته است؟ کشور پارسی، تمدن باستانی با یک قدرت مطلقه‌ی افراطی مذهبی که الان تقریباً ۵۰ ساله روی کاره. یا با در نظر گرفتن اون چیزی که در لیبی یا مصر یا بعضی دیگر از اون کشورها رخ داده، در مورد نقش خارجی‌ها، مثلاً نقشی که کشورهای غربی یا دیگران می‌تونن بازی کنن، آیا در رابطه با اتفاقات شگفت‌انگیزی که طی این ۱۵ سال شاهدش بودیم، چیزی در این مورد میشه گفت؟

رول مارک گرخت: اینها سوالات خیلی خوبی هستن. من بیشتر فکر می‌کنم که ایران بیشتر از اینکه شبیه اینها باشه متفاوت. ایران هم تحت دیکتاتوری سکولار تجددخواهی بوده که باعث انقلاب شد، هم تحت حکومت مذهبی. در واقع تنها کشوری در منطقه است که تا الان هر دو رو تجربه کرده. و به نظرم در هر دوی این دوران‌ها مردم ایران خیلی چیزها یاد گرفتن. و در ایران یک سنت ۱۰۰ ساله هست که مردم سعی دارن قدرت حکام رو محدود کنن. رشد روحیه دموکراسی هم داشتیم و این کاملا واقعیه. باید به یاد داشت که انقلاب اسلامی با دو تا ستون شروع شد، دو قطب. یکیش از جنس مذهب بود و دیگری از جنس دموکراسی. و به همین دلیل که جمهوری اسلامی یک مدل از دموکراسی رو هرچند کنترل شده حفظ کرد، برای اینکه بیان کردن اون امید و آرزو مهم و مشروع بود. و من معتقدم که رژیم یک اشتباه جدی کرد، و اون وقتی بود که رهبر به این نتیجه رسید که جنبه‌ی دموکراتیک جمهوری اسلامی خیلی خطرناکه. بعد از مشکلات اواخر دهه ۷۰ با محمد خاتمی و چیزی که اون زمان به جنبش اصلاح طلبانه همراه جنبش دموکراسی خواه سبز بود، اون‌ها به این نتیجه رسیدن که دیگه واقعا همیشه به دموکراسی اعتماد کرد، و باید کاملا کنترل بشه. با این کار در واقع سوپاپ اطمینان را بستن، راه فراری که اجازه می‌داد نارضایتی از رژیم تخلیه بشه، جایی که شما می‌تونستین دولتی انتخاب کنید که تا حدی کنترل روی سیستم داشت، تا حدی قادر بود زندگی ایرانیان را تحت تاثیر قرار بده. این الان کاملا از بین رفته. و از بین رفتنش فشار روی رژیم رو به طرز قابل توجهی بیشتر کرده، برای همینه که یک تظاهرات کوچیک یا کشته شدن یک دختر می‌تونه به چنین انفجاری منجر بشه که رژیم در مدیریت کردنش مشکل زیادی داره.

گری بیکر: قدرت‌های خارجی چه نقشی ایفا می‌کنند؟ منظورم به طور خاص ما اینجا در ایالات متحده است. ما ۱۰ سالی هست که اواما و پیش بردن برجام رو داشتیم، که واسطه‌ی مشترکی در مورد برنامه هسته‌ای ایران و برداشتن تحریم‌ها در مقابل مصالحه‌هایی از طرف ایرانی‌ها که در عمل چندان هم چشم‌گیر نبودند به دست می‌داد. مشخصا ترامپ روی کار اومد و این رو باطل اعلام کرد. بایدن سعی کرد که مثلا اون رو احیا کنه. حالا با تحولات اخیر به نظر میاد که پرونده‌اش بسته شده. وقتی ایران وارد جنگ با مردم خودش شده، و به روس‌ها تسلیحات می‌ده که با اوکراینی‌ها بجنگن... ارزیابی از نقش سایر کشورها و به طور خاص امریکا، در رابطه با ناپایداری‌ای که به خاطر تحریم‌های اقتصادی ایجاد شده چیه؟ مثلا نقش تحریم‌ها، یا این که چطور و چه میزان می‌شد به اپوزیسیون به همون شکلی که بود، برای غلبه به رژیم کمک بیشتری کرد.

رول مارک گرخت: فکر می‌کنم اگر منظور نقش مستقیم غرب، ایالات متحده و اروپا باشه، چنین چیزی نبوده. به نظر من دولت بایدن بسیار خوش‌شانس بوده که حتی قبل از ۱۶ سپتامبر، رهبری در رابطه با برنامه هسته‌ای به امریکا و اروپایی‌ها گفت که «گم بشن»، چون مشخصا برای دولت بایدن خیلی شرم‌آور بود که میلیاردها دلار رو در راستای لغو تحریم‌ها به رژیم بده، درست موقعی که رژیم در حال کشتن دختران جوان در خیابان‌ها است. ما می‌تونستیم با لغو تحریم‌ها یک نقش منفی داشته باشیم و داشتیم. این مهمه که به یاد داشته باشیم که در زمان ریاست جمهوری ترامپ، اساسا تمام دنیا از ترامپ بدشون می‌اومد، به جز مردم ایران. و با وجود تلاش زیادی که شخصاً برای بررسی منابع ویدئویی و دیوارنوشته‌ها و چیزهای مشابهی که در دوره ترامپ از جمهوری اسلامی در مورد برقراری مجدد تحریم‌ها یا لغو برجام به دست می‌اومد کردم، قسم می‌خورم حتی یک مورد هم «مرگ بر ترامپ» یا «مرگ بر تحریم» ندیدم. به نظر من اینجا یک اشتباه در مورد مخالفت مردم با تحریم‌ها و مسئولیت امریکا در مورد معضلات ایران وجود داره. به نظر من اعتراضات به وضوح نشون دادن که محبوبیت امریکا در بین مردم ارتقا پیدا کرده و در مقابل حکومت مذهبی منفورتر شده. حالا آیا امکانش هست که ایالات متحده کمک بیشتری به مردم داخل ایران بکنه؟ بله، گرچه فکر می‌کنم زمان می‌بره. ما قطعا ابزارهای اطلاعاتی که ناگهان به کار بیان و به اعتراضات کمک کنن نداریم. و کارهایی مانند تخصیص بودجه برای اعتصاب‌ها مدتی طول می‌کشن. کارهای زیادی میشه کرد، اما همه زمان لازم دارن. به حمایت هر دو حزب نیازه. و من هیچ کدوم از این‌ها رو نمی‌بینم. من اعتقاد دارم که رئیس جمهور ایالات متحده می‌تونه از منبر گردن کلفتی برای حمایت از این افراد استفاده موثرتری بکنه، و اون‌ها باید از خیر کنترل تسلیحات که تمام حزب دموکرات به دنبالش هستن دست بردارن.

گری بیکر: در مورد کشورهای نزدیک تر، مثلا عربستان سعودی، رقیب مسلم رژیم فعلی ایران، و دشمنی تاریخی بینشون چطور؟ به نظر میاد که کمی تشدید شده. نظرت در مورد مناسبات منطقه با ایران چیه؟ و ایران در ۲۰ سال گذشته در منطقه این هژمونی شگفت انگیز رو به خاطر نقشش در عراق، یمن و سوریه به دست آورده. آیا این در حال کم رنگ شدن؟ آیا قدرت های نزدیک خارجی در حال نشون دادن خودشون هستن؟

رول مارک گرخت: آره، به نظرم روشنه که عقب نشینی ایالات متحده و کاهش هزینه هاش پیش رفته و قدرت های محلی تصمیم گرفتن تا حدی آمادگی عضلانیشون رو بیشتر کنن و منطقه رو بر خلاف گذشته صرفا از چشم امریکایی ها نبینن... که البته این بیشتر در مورد سعودی ها صادق بود. و من فکر می کنم این قضیه در دوره ی ترامپ بیشتر به چشم اومد. با خودداری از پاسخ نظامی به حملات موشک های کروز و پهپاد، و حملاتی که با سازمان دهی ایرانی ها به کشتی ها می شد، این که ایالات متحده سیاستش در منطقه رو تغییر داده کاملا عیان شد. منظورم اینه که وقتی که امارات متحده عربی به وضوح، و ولیعهد وقت عربستان سعودی، محمد بن سلمان به صورت محرمانه، مذاکره کنندگانی رو به تهران فرستادند. بنابراین سعودی ها به درستی فهمیدن که تک به تک حریف ایران نمی شن. ایرانی ها چنین مسابقه ای رو خواهند برد. و امارات متحده عربی و به خصوص دبی، در مورد ایران قابل اعتماد نیست، چون هر قدرت اقتصادی ایرانی اونجا چندین حساب بانکی داره. بنابراین در منطقه خلیج ارزیابی مجدد قوا در حال انجامه. این اعتراضات همیشه معادلات رو تغییر میدن. و شاید بشه گفت که موفقیتشون برای عربستان سعودی و امارات متحده عربی مشکل ساز خواهد شد. اگر یک دموکراسی کارا در ایران برقرار بشه، قدرت و جذابیت عظیمی در پی خواهد داشت. و فکر کنم روی روابط امریکا با عربستان یا امارات تاثیر بذاره که احتمالا نه به نفع سعودی ها خواهد بود و نه به نفع اماراتی ها. اسرائیل نقش شگفتی داره. ایرانی ها به نظرم در مقابل عملیات های سری، خرابکاری و ترور اشخاص به شکل عیانی بهت زده هستن. و همچنین در مورد کارهاشون در سوریه، که واقعا نقشه ی بازی ایران رو تغییر داد. مباران دائمی مواضع ایرانی به شدت انتظارات سپاه پاسداران از سوریه به عنوان پایگاهی علیه اسرائیل برای حمایت از حزب الله لبنان رو عوض کرد. من نمی دونم که آیا ایرانی ها مثلا هنوز از یک حمله ی نظامی اسرائیل به تاسیسات هسته ای می ترسن یا نه. قطعاً هنوز از حمله ی امریکا می ترسن، اما این بیشتر در دسترس اسرائیله. این چیزها رو همیشه به خوبی فهمید، چون توطئه و اعتقاد به توطئه که در محافل حکومتی داخل ایران خیلی رایج می تونه بر نحوه ی ارزیابیشون از این ماجراها تاثیر بذاره. در این مورد می تونه به نفع اسرائیل باشه، چون تمام فکر و ذکر رهبری یهودی ها هستن. نتیجتاً ممکنه باعث بشه نیروی دفاعی اسرائیل رو قوی تر از اون چه که هست ارزیابی کنن.

گری بیکر: و این مطلب، سوال ۶۴ هزار دلاری، یا ۶۴ مگاتنی رو به یاد من مباره. که در بحث ما به برجام مربوط میشه، برنامه ی جامع اقدام مشترک، توسط ایالات متحده، ۵+آلمان، همگی مشخصا در راستای تعامل با برنامه ی مشخصا پیشرفته ی هسته ای ایران. آخرین تحولات در مورد تصور ما از میزان پیشرفت ایران در این برنامه چیه؟ و با در نظر گرفتن اینکه برجام اساسا شکست خورده، غرب و علی الخصوص اسرائیل چطور با این قضیه برخورد خواهند کرد؟

رول مارک گرخت: آره. فکر می کنم تنها فاکتور مبهم در مساله ی هسته ای، میزان پیشرفت رژیم در ساخت ماشه ی هسته ای. موساد ۶ ماه پیش می گفت ایران با ساخت ماشه ۱۸ تا ۲۴ ماه فاصله داره. این در وهله اول نشون می ده که اون ها واقعا نمی دونن، بلکه دارن بر اساس اطلاعاتی که موساد قبلا از تهران سرقت کرده بود تخمین می زنن. اما معلومه که جاسوسی اونجا ندارن، اگر داشتن چنین بازه ای مطرح نمی شد. به نظر میاد امریکایی ها کم و بیش این برآورد رو قبول دارن. یعنی توافق عمومی بر اینه که ایرانی ها اگر بخوان خیلی سریع و قطعاً قبل از پایان دوره ی بایدن می تونن ماشه رو بسازن. به جز این فکر کنم تمام بخش های دیگه، حداقل برای آزمایش بمب هسته ای رو ساختن. در مورد غنی سازی اورانیوم هم دیگه کار از کار گذشته. اون ها نشون دادن که توانایی به کارگیری سانتریفیوژهای قوی تری رو دارن. تا جایی که می دونیم هنوز نتونستن نمونه های پیشرفته ترین سانتریفیوژها رو راه بندازن، اما به خوبی در حال جلو رفتن هستن. و اگر این سانتریفیوژهای پیشرفته راه بیافتن، میشه آبشاره های کوچیکی درست کرد که اساسا غیر قابل تشخیص هستن. مشخصه ی الکتریکی خیلی بزرگی ندارن. خیلی زود می تونن اورانیوم مناسب بمب رو بسازن. و برای این چه کاری می تونیم بکنیم؟ فکر

کنم کاملا روشنه که دولت بایدن تمایلی به هیچ شکلی از عملیات نظامی برای جلوگیری از این ماجرا نداره. تنها سوال بدون پاسخ اینه که آیا اسرائیلی‌ها دارن؟ عقیده‌ی من اینه که در سال ۲۰۱۱ نتانیاهو و ایهود باراک چنین تصمیمی داشتن. می‌خواستن ببینن آیا می‌تونن با حمله‌ی نظامی این تاسیسات رو نابود کنن؟ اما کابینه به اونها رای موافق نداد. به من گفته‌اند که نیروی دفاعی اسرائیل به شدت با چنین کاری مخالف بوده.

گری بیکر: آیا علتش عدم اطمینان در مورد موثر بودن چنین حمله‌ایه؟ یا ترس از عواقبش؟ تروریسم گسترده در منطقه به عنوان مقابله به مثل؟ منظورم اینه که-

رول مارک گرخت: این‌ها سوالات خوبی هستن. شاید جواب همه‌ی این سوالات رو من ندونم. در وهله اول، نگرانی اصلی در مورد توانایی انجام این کار بود. بعد از اون به واکنش احتمالی امریکا مربوط می‌شد. به نظرم تروریسم آخرین مساله است. اسرائیلی‌ها همیشه نگران این هستن که اگه حزب‌الله بتونه تعداد خیلی زیادی موشک شلیک کنه چه اتفاقی می‌افته. این همیشه ذهنشون رو درگیر کرده، و فکر نمی‌کنم گنبد آهنین این مساله رو حل کنه. اما نکته اصلی شاید این باشه که در مورد نتانیاهو و باراک... باراک بر خلاف نتانیاهو فقط هوچی‌گری نمی‌کنه. اون حمله می‌کنه. نتانیاهو معمولا کری می‌خونه، ولی کاری نمی‌کنه. اون‌ها می‌خواستن این کارو بکنن، هردوشون می‌خواستن، و بقیه‌ی کابینه آمادگی چنین چیزی رو نداشتن. نیروی دفاعی آمادگیش رو نداشت. فکر نکنم الان اسرائیلی‌ها موضع قویتری از ۲۰۱۱ داشته باشن. ایرانی‌ها با در نظر گرفتن پیشرفت‌شون در برنامه‌ی هسته‌ای قطعاً موضع قوی‌تری پیدا کردن. بنابراین فکر نکنم گزینه‌ی نظامی دیگه روی میز باشه. همیشه ممکنه، اما به نظرم الان بعیده. فکر نکنم... قطعاً تحریم‌ها نمی‌تونن برنامه‌ی هسته‌ای رو متوقف کنن. به نظرم تحریم‌ها نقش مهمی در محدود کردن منابع رژیم و سیاست تحدید نفوذ داشتن. اما در مورد توقف برنامه‌ی هسته‌ای، تحریم‌ها کم و بیش ناکارآمد بودن. اون‌ها خیلی پیشرفت کردن. پس وقتی برنامه‌ی هسته‌ای رو در نظر بگیریم اوضاع زیاد جالب نیست. واضحه که اگه رژیم سقوط کنه این برنامه متوقف میشه.

گری بیکر: اما سوال دیپلماتیک و ژئوپلیتیک نهایی مربوط به روسیه و چین میشه. اون‌ها مشخصاً طی یکی دو سال گذشته شریک‌های اقتصادی مهم‌تری برای ایران شدن. به خصوص روسیه به خاطر انزوای اقتصادی پس از حمله به اوکراین. حالا با در نظر گرفتن این که چین و روسیه هر روز به ایران نزدیک‌تر میشن، و این شراکت بدون محدودیتی که ازش صحبت می‌کنن، و جهان که به نظر میاد به سمت یه جنگ سرد جدید حرکت می‌کنه که در اون روسیه و چین متحد و در یک سمت هستن، و اون چیزی که بعدش پیش خواهد اومد، چه در موارد روشنی مثل تایوان و اوکراین، یا هر جای دیگه، آیا واقعا یه جور جنگ سرد ایجاد میشه؟ آیا رژیم اساساً برای اموراتش به چین و روسیه متکی خواهد شد؟ مشخصاً مدتی که این طور بوده، اما آیا به نوعی کانون کشمکش در یک جنگ سرد مبدل خواهد شد، مثل چیزی که در کشورهای دیگه طی جنگ سرد اصلی دیدیم؟

رول مارک گرخت: به نظر من رهبری قطعاً ایران رو در هماهنگی با اون چیزی که بهش نیروهای ضد امریکایی می‌گه و بیش از همه به چین و روسیه اشاره داره می‌بینم. منظورم اینه که ایران، و جمهوری اسلامی، همیشه به غرب هم نگاهی دوستانه و هم خشمگین داشته. تا حدی سعی کرده از غرب الهام بگیره، که این ایده‌ی اصلی ایرانی‌ها در برجام بود. رئیس‌جمهور وقت ایران، حسن روحانی، این تصور رو داشت که ایران می‌تونه یه جورایی چین رو الگو قرار بده. یعنی از سرمایه‌گذاری غرب استفاده کنه برای ایجاد یک جمهوری اسلامی قوی‌تر یا یک جمهوری اسلامی که می‌تونه بیشتر در خاورمیانه جولان بده. و ایرانی‌ها همیشه سرمایه‌گذاری غربی رو دوست داشتن. علی‌الخصوص به صنایع آلمان علاقه زیادی دارن. اون‌ها به ابزارآلات آلمانی اعتقاد دارن. و این آزموده شده و رهبر معظم هم همراهی کرده، با اینکه از نفوذ غربی‌ها و حتی مرادده‌ی تجاری با اون‌ها می‌ترسه و تمایلی بهش نداره. اما از اون‌جا که نتونست از این جواب بگیره، فکر می‌کنم به این نتیجه رسیدن که جمهوری اسلامی در سایه‌ی چیزی که بهش اقتصاد مقاومتی می‌گن امنیت بیشتری داره، با نگر داشتن پیوندهای محکم با کشورهایمانند روسیه و چین، که از نظر اون‌ها به شکل قابل اعتماد و یک پارچه‌ای ضد امریکایی هستن.

گری بیکر: با در نظر گرفتن این‌ها، و هر چه که ممکنه در اعتراضات فعلی داخل ایران پیش بیاد، که موضوع بحث ماست، آیا به نظرت در یک چشم‌انداز ده ساله باز هم شاهد ادامه پیدا کردن سرکوب اعتراضات گاه و بیگاه مردم توسط این رژیم مستبد، مذهبی و خونریز خواهیم بود؟ بذار این جواری بگم، آیا تو خوش‌بین هستی که در یک بازه‌ی ده ساله شرایط تغییر کنه؟

رول مارک گرخت: من از همیشه خوش‌بین‌ترم. هر رژیمی نیاز به کسب میزانی مشروعیت داره. باید بتونه در نسل جدید اعتقاد ایجاد کنه. این هر روز برای جمهوری اسلامی سخت‌تر میشه و باز هم می‌گم، نقطه‌ی قوت جمهوری اسلامی باید گفت که برخورد نسبتاً صادقانه‌اش با ضعف‌های داخلی بوده. با صداقت، این امکان به وجود میاد که تو هم همون چیزی رو ببینی که اون‌ها می‌بینن. مثلاً اون‌ها به خوبی می‌دونن که در جذب نیرو برای سپاه پاسداران مشکل دارن. در سوق دادن مردهای جوان سمت تحصیلات حوزوی مشکل دارن. این چیز مهمیه چون این مسیر رسیدن به قدرت نهایی در جمهوری اسلامی محسوب میشه. اون‌ها به خوبی می‌دونن که زن‌های جوان تمایلی به ازدواج با آخوندها در خانواده‌های سنتی ندارن. یعنی عوامل زیادی وجود داره که رژیم به دقت زیر نظر داشته، و اون‌ها به خوبی می‌دونن که در راستای هدف نهاییشون شکست خوردن. از طرف دیگه، فقط باید بگم، محوریت تفکرات شیعه این رژیم اینه که اون‌ها گروه کوچکی با نهایت دانش هستن که در مقابل یک جهان خصمانه ایستادن. بنابراین می‌تونم بگم جمهوری اسلامی مثلاً در مقایسه با یک ساختار مارکسیستی - با همان میزان پوسیدگی - مقاومت بیشتری از خودش نشون میده. اما من اعتقاد دارم که رژیم اعتراضات رو به شکل دیگه‌ای می‌بینه، و فکر می‌کنم باید همیشه سعی کنیم از نقطه نظر اون‌ها ببینیم. مبه نظر من رژیم این اعتراضات رو مرگ‌بارترین تهدید برای جمهوری اسلامی بعد از جنبش سبز ۸۸ قلمداد می‌کنه. و بعضیاشون حتی این رو خطرناک‌تر هم می‌دونن. و اینکه اون‌ها احساس خطر می‌کنن باید به ما حداقل یه کم خوش‌بینی بده.

گری بیکر: این نکته خیلی خیلی خوبی در پایان برنامه بود. رول گرخت، تحلیل‌گر و نویسنده در امور خاورمیانه، واقعا ممنون که با ما بودین.

رول مارک گرخت: افتخاری بود.

گری بیکر: این قسمت «تربون آزاد» هم به پایان رسید و من گری بیکر از هیات تحریریه وال استریت ژورنال در خدمتون بودم. ممنون که به ما گوش دادین. لطفا هفته‌ی بعد هم با ما در بررسی عمیق برخی از معضلات مهم دنیای ما همراه باشین. خیلی ممنون و خداحافظ.

ترجمه شده از وبسایت وال استریت ژورنال

<https://www.wsj.com/podcasts/opinion-free-expression/is-a-second-iranian-revolution-on-the-horizon/03aeebf9-87be-41a6-b4a9-25a5027cf17c>